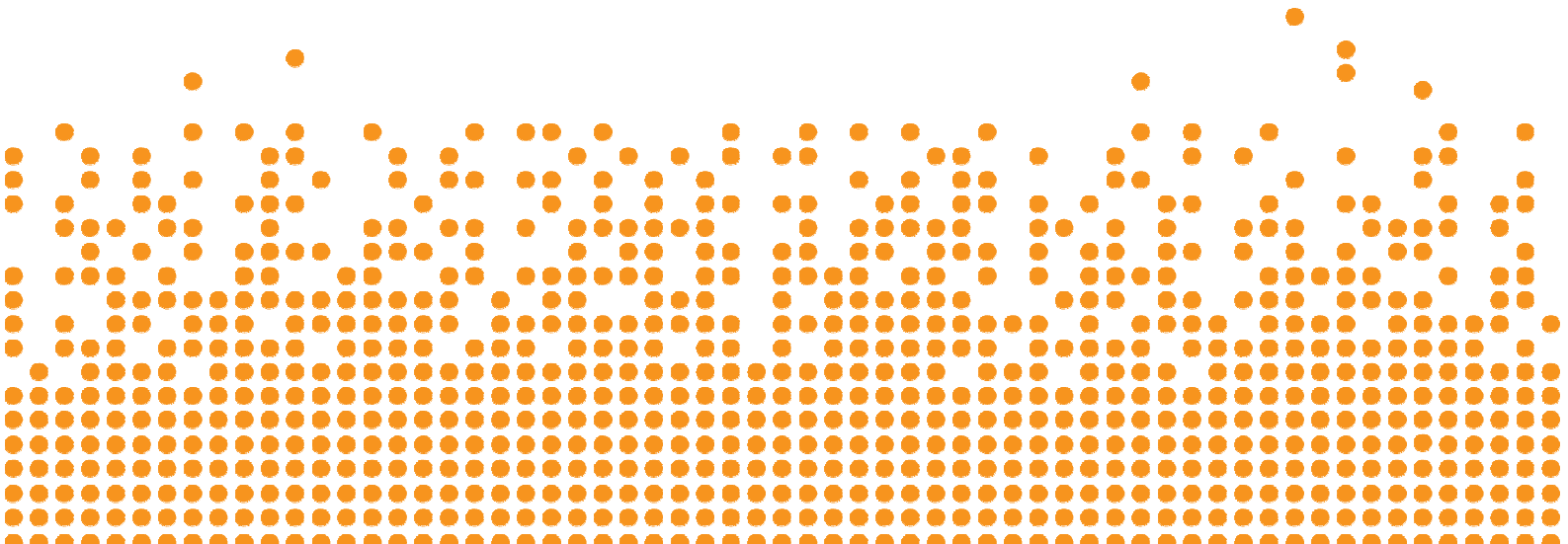


گزینہ دو

مؤسسہ آموزشی فرهنگی



## دین و زندگی ۳



# درس اول

## هدایت الهی

### نیازهای انسان:

- نیازهای طبیعی و غریزی:

• آب، هوا، غذا و...

• پاسخ آن‌ها بنابر حکمت الهی در جهان خلقت آماده است ← راه آگاهی به انسان داده شده است.

- نیازهای برتر:

• با بالاتر رفتن از سطح زندگی روزمره و اندیشیدن در افق‌های بالاتر حاصل می‌شود.

• به تدریج تبدیل به دل‌مشغولی، دغدغه و درد متعالی می‌شود ← بدون پاسخ انسان آرام نمی‌گیرد.

• این دغدغه و درد نشانه‌ی بیداری و ورود به وادی انسانیت است.

هر کس که او هشیارتر رخ زردتر

هر کس که او بیدارتر پردردتر

### اقسام نیاز برتر:

(۱) درک هدف زندگی: برای چه زندگی می‌کند؟ / کدام هدف به زندگی او معنای متعالی می‌دهد؟ / به دست نیاوردن یا اشتباه در این هدف به قیمت از دست دادن عمر و به دست نیاوردن سعادت و خوشبختی است.

(۲) درک آینده‌ی خویش: انسان با کسب عقل و بنابر حکمت و عدل می‌داند که مرگ پایان زندگی نیست و آینده‌ای روشن دارد ← نحوه‌ی زندگی پس از مرگ چیست؟

(۳) کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا چگونگی زیستن، دغدغه‌ی اصلی انسان‌های فکور و خردمند ← انسان فقط یک‌بار زندگی را تجربه می‌کند.

عدم انتخاب راه درست زندگی که جامع دو نیاز قبلی است ← نرسیدن به هدف برتر خلقت / از دست دادن آینده‌ی زیبا / خسران در آخرت /

عدم تنظیم درست زندگی فردی

### پاسخ به نیازهای برتر:

- پاسخ‌ها باید دو ویژگی داشته باشند:

(۱) جامعیت: همه‌جانبه باشد و به نیازهای مختلف پاسخ دهد علت ← ابعاد مختلف انسان در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگرند ← نمی‌توان برای هر بعد جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

(۲) درست و قابل اعتماد بودن: هر پاسخ احتمالی نیازمند آزمون و خطا است ← عمر محدود انسان اجازه نمی‌دهد

### هدایت:

- خداوند خالق حکیم است و هر مخلوقی را برای هدفی حکیمانه خلق کرده و گرنه خلقت عبث و بیهوده می‌شد.

- پس خداوند تمام مخلوقات را به سمت هدف‌شان هدایت می‌کند ← هدایت عام

- خداوند هر مخلوق را براساس ویژگی‌های آن مخلوق هدایت می‌کند ← هدایت خاص

• آیه: ﴿قَالَ رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ﴾ ← (موسی به فرعون) گفت پروردگار ما کسی که هر چیزی را

(هدایت عام) خلقه ثم هدی ← آفریده و سپس هدایتش کرده

- آیه: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ ← نام پروردگار والاترت را به پاکی بستای
- (هدایت خاص) اَلَّذِي خَلَقَ فَسْوَی ← آن خدایی که آفرید و به کمال رسانید
- و اَلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ← آن خدایی که هر چیزی را تقدیر کرد، سپس هدایت نمود.

## هدایت تشریحی:

- هدایت خاص انسان هدایت تشریحی است.
- به سبب ویژگی‌های ارزشمندش (تفکر و اختیار) با دیگر موجودات تمایز بنیادین دارد ← این ویژگی‌ها متناسب با هدف خلقت اوست ← هدف انسان تقرّب به خدا است.

- چراغ درونی: عقل } تشخیص هدف }  
 حرکت اختیاری } انتخاب }  
 چراغ بیرونی: انبیا و ائمه علیهم‌السلام } حرکت به سوی آن }

- انسان با عقل بسیاری از مجهولات را می‌یابد ← و می‌فهمد پاسخ بسیاری مسائل بنیادین را نمی‌تواند بدهد ← نیازمند هدایت الهی است  
 ← خدا پیامبران را می‌فرستد ← پس اگر انسان عاقلانه بیاندیشد راه رسیدن به همه‌ی نیازها برای او مشخص شده ← دلیلی برای توجیه ناکامی ندارد.

- امام کاظم علیه‌السلام: خطاب به هشام بن حکم

- عَلَّتْ اِرْسَالَ اَنْبِیَا ← تعقل در پیام الهی
- عَلَّتْ بِذِیْرِشْ بَهْتَرِ پیام الهی ← برخوردار از معرفت برتر
- عَلَّتْ دَانَا بَیْ نَسَبْتِ به فرامین الهی ← برتر بودن در تعقل و تفکر
- عَلَّتْ عَلْوِ رَبِّهْ در دنیا و آخرت ← کمال عقل
- حَجَّتْ هَا ی خدَا بر مردم ← (۱) آشکار: پیامبران و امامان (۲) نهان: عقل

آیه:

- ﴿اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ ← ما را به راه راست هدایت کن
- صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ← راه کسانی که به آنان نعمت دادی
- غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّیْنَ ← و نه کسانی که مورد غضب واقع شدند و نه گمراهان

● هدایت، خواست هر انسان خردمندی است.

- ﴿رُسُلًا مَّبَشِّرِیْنَ وَ مُنذِرِیْنَ﴾ ← رسولانی را فرستاد بشارت‌دهنده و هشداردهنده
- لَنْلَا یَكُونَ لِلنَّاسِ ← تا برای مردم نباشد
- عَلَى اللَّهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرِّسْلِ ← در مقابل خداوند بهانه‌ای بعد از آمدن پیامبران
- وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ← و خداوند شکست‌ناپذیر حکیم است.

● اشاره به هدایت تشریحی

● با آمدن پیامبران حجت بر مردم تمام می‌شود.

- ﴿أنا أنزلنا عليك الكتاب بالحق﴾ ← همانا ما این کتاب را بر تو نازل کردیم برای مردم به درستی
- ﴿فمن اهتدى فلنفسه﴾ ← پس کسی که هدایت یافت پس به سوی اوست
- ﴿و من ضلّ فأنما يضلّ عليها﴾ ← و کسی که گمراه شد جز این نیست که به زیان خود گمراه می شود.
- ﴿و ما أنت عليهم بوكيل﴾ ← و تو وکیل و مدافع آن‌ها نیستی
- هدایت ویژه‌ی انسان
  - اختیار انسان
  - پیامبر فقط تبلیغ می‌کند.

- ﴿و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله﴾ ← می‌گویند ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت) رهنمون شد و ما به این‌ها راه نمی‌یافتیم
- ﴿لو لا أن هدانا الله﴾ ← اگر خداوند ما را هدایت نکرده بود
- هدایت‌شدگان و بهشتیان مغرور نمی‌شوند و شاکر نعمات خداوند هستند.

- ﴿يا ايها الذين آمنوا﴾ ← ای کسانی که ایمان آورده‌اید.
- ﴿استجيبوا لله للرسول﴾ ← دعوت خدا و پیام‌آورش را اجابت کنید.
- ﴿اذ ادعاكم لما يحبيكم﴾ ← آن‌گاه که شما را به چیزی فرا می‌خواند، که زندگی و حیاتتان می‌بخشد.
- اشاره به هدایت ویژه دارد
  - حیات طیبه معلول اجابت دعوت خدا و رسول است.

### اندیشه و تحقیق:

- رابطه‌ی حجت ظاهر و باطن: هدایت حجت ظاهر (پیامبر) در صورت به‌کارگیری حجت باطن (عقل) مؤثر است.
- ﴿و منهم من يستمعون اليك﴾ ← و برخی از آن‌ها به ظاهر به تو گوش می‌دهند.
- ﴿افأنت تسمع الصم و لو كانوا لا يعقلون﴾ ← اما مگر تو می‌توانی گرها را شنوا کنی؟ هر چند که تعقل نکنند.
- ﴿و منهم من ينظرُ اليك﴾ ← و برخی از آن‌ها به تو می‌نگرند.
- ﴿افأنت تهدي العمى و لو كانوا لا يبصرون﴾ ← مگر تو می‌توانی کورها را هدایت کنی؟ هر چند که نبینند
- پاسخ‌گویی به نیازهای انسان:
- ﴿إنّ هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم﴾ ← بی‌تردید این قرآن به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند.
- ﴿و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصالحات﴾ ← و به مؤمنان بشارت می‌دهد، کسانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند
- ﴿أن لهم أجراً كبيراً﴾ ← که برای آن‌ها پاداش بزرگی است.

• کشف راه درست زندگی / درک آینده‌ی خویش

آیه:

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ انْتَىٰ

هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند.

و هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً

در حالی که مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات می‌بخشیم.

و لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

و مسلماً اجرشان را خواهیم داد.

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بر پایه‌ی بهترین اعمالشان﴾

• نیاز به برنامه‌ی زندگی / درک هدف زندگی / درک آیندی خویش

# گزینه دو



## مؤسسه آموزشی فرهنگی

# درس دوم

## هدایت مستمر

### دین واحد الهی:

– علی‌رغم این‌که انسان‌ها دارای خصوصیات مختلف همچون نژاد، رنگ، زبان، قوم و... هستند ← اما همه نام مشترک «انسان» را دارند ← چرا که فطرت (خلقت خاص) مشترک دارند ← یعنی همه دارای آفرینش خاص انسان و ویژگی‌های اصلی یکسان هستند.

– نمونه‌ی ویژگی‌های فطری مشترک:

(۱) تمایل به فضائل اخلاقی

(۲) دوری از رذائل

(۳) تفکر و تعقل و اختیار و...

– به دلیل وجود این ویژگی‌های فطری ← خدا یک برنامه‌ی کلی به نام «اسلام» را به تمام انسان‌ها داده تا به هدف مشترک خلقتشان برسند.

– محورهای اصلی برنامه‌ی مشترک (اسلام):

(۱) ایمان به خدای یگانه

(۲) ایمان به معاد

(۳) اعتقاد به عدل نظام هستی

(۴) ایمان به فرستادگان الهی

(۵) عبادت

(۶) کسب مکارم اخلاقی

(۷) دوری از رذایل

(۸) برپایی نظام اجتماعی براساس عدل

– دعوت همه‌ی پیامبران به همین محورهای مشترک بوده ← همه یک دین آورده‌اند ← در احکام فرعی متفاوت بودند.

### علل تعدد پیامبران :

### لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته‌ی آن:

- لازمه‌ی استقرار و ماندگاری پیام ← تبلیغ دائمی و مستمر است.
- تداوم پیامبران در زمان‌های مختلف باعث شد، تعالیم الهی در میان مردم بماند، جزء آداب و فرهنگ شود ← افرادی نتوانند راحت آن را از جامعه خارج کنند.

### رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام:

- رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن از ← لازم است پیامبر در هر دوره در خور فهم و اندیشه‌ی مردم صحبت کند تا درک کنند.

• پیامبر: «نحن معاشر الأنبياء	←	ما أنبياء مأمور شده‌ایم
أمرنا أن نكلم الناس	←	که با مردم به اندازه‌ی
علی قدر عقولهم	←	فهم و درک‌شان سخن بگوییم.»
• آیه: ﴿و ما أرسلنا من رسول	←	هیچ رسولی را نفرستادیم
إلا بلسان قومه	←	جز به زبان قومش
لیبین لهم	←	تا برای آنان به روشنی بیان کند.»

## از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین:

- سطح فرهنگ ابتدایی و عدم توسعه‌ی کتابت ← فراموشی تعلیمات انبیا یا تغییر آن به گونه‌ای که به اصل بی‌شبهت بود ← پیامبران بعدی تعلیمات اصیل و تحریف نشده را ابلاغ می‌کردند.

## چند دینی:

- هر پیامبر جدید ← پیامبران گذشته را تصدیق می‌کرد و خود را ادامه‌دهنده‌ی آنان می‌دانست.
- منشأ اصلی اختلاف و چند دینی چیست؟
- رهبران دینی که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع در برابر پیامبر جدید ایستادگی می‌کنند ← سبب چند دینی می‌شود.
- آیه: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ ← همانا دین نزد خداوند اسلام است
- و ما اختلف الدّین او تو الکتاب ← و اختلاف نکردند کسانی که کتاب به آنان داده شد
- أَلَا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ ← مگر بعد از آن که دانستند
- بَغْيًا بَيْنَهُمْ ← از روی ستم و تجاوز
- وَ مِنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ ← و هر کس به آیات خداوند کفر بورزد
- فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ← پس قطعاً خداوند حسابرسی سریع است.

## ویژگی پیامبران:

## - وحی:

- در قرآن موارد و مصارف مختلف دارد ← عالی‌ترین درجه مخصوص پیامبران است.
- القای معانی و معارف به قلب پیامبر ﷺ از سوی خدا و سخن گفتن خدا و جبرئیل با او
- برنامه‌ی هدایت از راه وحی به پیامبر ﷺ داده شده تا او به مردم ابلاغ کند.

## - اعجاز:

- انجام کارهای خارق‌العاده توسط پیامبران به اذن خدا ← به سبب فهم ارتباط میان آن‌ها و خدا برای مردم

- آثار خارق‌العاده } در قرآن ← آیت ← علامت و نشانه‌ی نبوت
- دانشمندان ← معجزه ← موجب عجز و ناتوانی سایر مردم

## - عصمت:

- پیامبر وقتی می‌تواند مسئولیت خویش را درست انجام دهد که ← مرتکب گناه و اشتباه نشود.
- مردم زمانی گفته‌ها و هدایت‌های پیامبر را می‌پذیرند که ← مطمئن باشند او مرتکب گناه و اشتباه می‌شود.
- پیامبر نه تنها در اجرای مأموریت ← بلکه در بحبوحه‌ی رفتارهایش باید عصمت داشته باشد.
- بالاترین ضرورت عصمت ← حوزه‌ی رسالت:
- دریافت و ابلاغ وحی: عدم عصمت ← نرسیدن درست دین الهی به مردم و سلب امکان هدایت از آن‌ها
- تعلیم و تبیین دین: عدم عصمت ← امکان انحراف در تعالیم الهی و از دست رفتن اعتماد مردم به دین
- اجرای فرامین الهی: عدم عصمت ← سرمشق گرفتن مردم از او در کارهای مخالف با دستورات خدا و گمراهی و انحراف آن‌ها
- پیامبران اختیار دارند و چنان مرتبه‌ای از ایمان تقوا دارند که هیچ‌گاه به سوی گناه نمی‌روند ← چنان بینش عمیقی هم دارند که گرفتار اشتباه نمی‌شوند.

## ختم نبوت:

- حضرت محمد ﷺ، آخرین فرستاده است و به فرموده قرآن «خاتم النبیین» است.
- پیامبر ﷺ موضوع ختم نبوت را در اجتماعات مختلف تکرار کردند.
- عوامل تجدید نبوت از بین رفته و عوامل بی نیازی انسان‌ها از کتاب جدید پدید آمده.

• آیه: ﴿ما کان محمد ابا احدٍ من رجالکم	←	محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست
و لکن رسول الله و خاتم النبیین	←	اما او فرستاده‌ی خدا و پایان پیامبران است
و کان الله بکل شیء علیما	←	و خدا به هر چیزی دانا است.
• آیه: ﴿الله اعلم	←	خدا داناتر است
حیث يجعل رسالته	←	که رسالت خود را برعهده‌ی چه کسی قرار دهد.

## عوامل ختم نبوت:

## - آمادگی جامعه‌ی بشری برای دریافت برنامه‌ی کامل زندگی:

- در عصر نزول قرآن، رشد عقلی بشریت به میزانی رسید که بتواند کامل‌ترین برنامه را دریافت کنند ← انسان‌ها وارد دوره‌ی بلوغ فکری شده بودند.
- خدا کتابی فرستاد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان‌ها پاسخ می‌دهد.

## - حفظ قرآن کریم از تحریف:

- با عنایت خدا و اهتمام پیامبر ﷺ و تلاش مسلمین در ادوار مختلف این کتاب دچار تحریف نشد.
- این کتاب نیازی به تکمیل و تصحیح ندارد ← جاودانه است.
- وجود امام معصوم ﷺ پس از پیامبر اکرم ﷺ:
- تعیین امام معصوم ﷺ از جانب خدا ← مسئولیت‌های پیامبر به‌جز دریافت و ابلاغ وحی ادامه دارد ← جامعه کمبود ندارد.

## - پیش‌بینی پاسخ به نیازهای زمانه:

- مراجعه به مجموعه‌ی معارف و احکام و قرآن و سیره ← به شرط استفاده از روش علمی و درست تحقیق که به‌وسیله‌ی عالمان دین تدوین شده و عمل با بصیرت و دانش لازم.
- توجه به نیازهای متغیر در عین توجه به نیازهای ثابت:

- نیازهای ثابت نیازهای فطری هستند که در تمام زمان وجود داشته و دارای قوانین ثابت هستند ← نیاز به امنیت، عدالت، شغل و...
- نیازهای متغیر آن دسته هستند که در دل نیاز ثابت هستند و وابسته به زمان و شکل آن متغیر است ← متخصصان دین می‌توانند آن‌ها را استخراج کنند ← مثل: بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید و...
- وجود قوانین تنظیم‌کننده: در اسلام دسته‌ای از قوانین خاصیت انطباق و تحرک دارند و بر همه‌ی احکام تسلط دارند و دیگر احکام را کنترل می‌کنند.

• پیامبر ﷺ: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام	←	اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است.
• آیه: ﴿ما جعل علیکم فی الدین من حرج	←	خداوند برای شما در دین تنگی و اضطراب قرار نداده.
• اختیارات حاکم نظام اسلامی: تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را پدید می‌آورد که حاکم اسلامی در مورد آن‌ها تصمیم می‌گیرد.		



آیه:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا﴾ ← برای شما از دین چیزی را تشریح کرد، آنچه نوح را بدان سفارش کرده بود.

و آذَىٰ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ ← و آن چه را که به تو وحی کردیم و آنچه سفارش کردیم به ابراهیم

و موسى و عيسىٰ أَن أَقِيمُوا الدِّينَ ← و موسی و عیسی که برپا دارید دین را

و لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ← و تفرقه نکنید در آن، بر مشرکین سخت می آید

ما تدعوهم إليه الله يجتبي إليه من يشاء ← آنچه که آنان را بدان دعوت می کنی، خداوند هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند.

و يهدى إليه من ينيب ← و به سوی خود هدایت می کند کسی که اهل بازگشت باشد.﴾

• هدایت تشریحی

• دین واحد الهی و دوری از تفرقه در آن

• عدم پذیرش مشرکین نسبت به دین الهی

﴿و قالوا كونوا هوداً أو نصارى تهتدوا﴾ ← گفتند: یهودی یا مسیحی شوید تا هدایت یابید

قل بل ملة ابراهيم حنيفاً ← بگو فقط آیین ابراهیم حق گرا را (می پذیریم)

و ما كان من المشركين ← و او از مشرکان نمی باشد.

قولوا آمناً بالله و ما أنزل إلينا ← بگوید ایمان آوردیم به خدا

و ما أنزل إلى ابراهيم و اسماعيل ← و آنچه نازل شده بر ابراهیم و اسماعیل

و اسحاق و يعقوب و الابطاس ← و اسحاق و یعقوب و نوادگان شان

و ما اوتى موسى و عيسىٰ و ما اوتى النبيون ← و آنچه که داده شده به موسی و عیسی و آنچه داده شده به پیامبران از من ربهم

لا نفرق بين احد منهم و نحن له مسلمون ← و ما تفاوتی میان آن ها نمی گذایم و تسلیم فرمان اوییم.﴾

• لزوم پذیرش انبیاء گذشته (سلف)

• اشاره به دین واحد الهی

## درس سوم

## معجزه‌های از نوع کتاب

## معجزه‌ی پیامبر اسلام ﷺ:

- هر یک از پیامبران برای اثبات پیامبری خود معجزه‌های داشتند ← عصا و ید بیضای حضرت موسی عليه السلام، دم مسیحایی حضرت عیسی عليه السلام و ...

- برخی پیامبران کتاب آسمانی داشتند ← اما آن کتاب هیچ‌گاه معجزه نبود.

- معجزات پیامبران متناسب با نوع دعوت و در خور فهم و عقل مردم زمانه بود ← معجزه‌ی اصلی پیامبر اسلام ﷺ، قرآن کریم بود.

- ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل دمیده‌ی ما را انیس و مونس شد

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسئله‌آموز صد مدرّس شد

- عده‌ای تلاش دارند قرآن را غیرالهی نشان دهند ← آسان‌ترین راه برای غیر الهی نشان دادن قرآن، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های قرآن است (از لحاظ لفظی و محتوایی)

- قرآن خود تَخَدی (اعلام مبارزه) می‌کند:

- آیه: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنا

فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ

و ادعوا شهداءكم من دون الله

و غیر از خداوند

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا

فَأْتُوا النَّارَ النَّارِ و قودها النَّاس و الحجارة

أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ آماده شده است برای کافران

- علت این نوع از اعجاز؟ ← پیامبر ﷺ آخرین فرستاده است و تعلیمات ایشان برای همه‌ی زمان‌های بعد از او است ← سند نبوت او نیز همیشه حضور دارد ← اگر اعجاز پیامبر ﷺ از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود ← نمی‌توانست شاهدی حاضر و دائمی بر نبوت ایشان باشد ← و هر قدر زمان می‌گذرد درخشندگی آن آشکارتر و ابعاد جدید کشف می‌شود.

## اعجاز لفظی:

- فصاحت و بلاغت و زیبایی‌های لفظی و ساختار موزون کلمات و رسایی در معنا و ویژگی‌های ادبی فراوان

- این زیبایی و شیرینی بیان و موزون بودن کلمه‌ها، رسایی تعبیرات ← سبب نفوذ خارق‌العاده‌ی این کتاب آسمانی در افکار و نفوس در طول تاریخ شده است.

- سران مکه در اوایل بعثت، مانع رفتن مردم به خانه‌ی پیامبر ﷺ و شنیدن آیات قرآن می‌شدند ← چرا که می‌دانستند این آیات شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

## اعجاز محتوایی:

- قرآن ویژگی‌های محتوایی دارد که نشان می‌دهد، هیچ دانشمندی نمی‌تواند آن را بنویسد چه رسد به پیامبری امّی
- علت اصلی ناکامی مخالفان در تحدی همین اعجاز محتوایی است.

انسجام درونی در عین نزول تدریجی:

- آثار اولیه‌ی دانشمندان با دوران پختگی‌شان متفاوت است و به مرور زمان در آثار خود تجدید نظر می‌کنند و آن را اصلاح می‌کنند ← چون علم آن‌ها به تدریج کامل می‌شود و نقص نسبی دارند.

- اما قرآن با بیش از ۶ هزار آیه و در طول ۲۳ سال و با موضوعات متنوع، هیچ تعارض و ناسازگاری ندارد.

- آیه: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ ← آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنید؟
- و لو كان من عند غير الله ← اگر از نزد غیر خدا بود
- لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً ← در آن ناسازگاری بسیاری یافتند.

تأثیر ناپذیری از جاهلیت:

- فرهنگ یا به عبارتی مجموعه‌ی افکار و عقاید و آداب و رسوم مردم قبل از اسلام شرک آلود و خرافی بود.
- قرآن نه تنها از فرهنگ جاهلی تأثیر نپذیرفت ← بلکه به شدت با آن مبارزه کرد ← از موضوعاتی مثل عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که آرمان مقدّس بشریت هستند سخن گفته!
- جامعیت و تازگی:

- جامعیت و همه‌جانبه‌بودن: قرآن با آنکه در جامعه‌ای به دور از فرهنگ نازل شد، اما از تمام مسائل و ابعاد سخن گفته است.

تازگی و شادابی دائمی:

- افکار و اندیشه‌ها کهنه می‌شوند و پس از مدتی جای خود را به افکار دیگر می‌دهند.
- قرآن نه تنها کهنه نمی‌شوند ← بلکه افق‌های جدیدی از علم و حکمت را می‌گشاید.
- هرچه زمان می‌گذرد و انسان‌ها به درجات عالی‌تری از فرهنگ و دانش می‌رسند، درخشندگی و شادابی قرآن بیشتر نمایان می‌شود.

ذکر نکات علمی بی‌سابقه:

- در جامعه‌ای که علم جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌های علمی نبود و بسیاری چیزها بعدها توسط دانشمندان کشف شد، قرآن کریم به نکات علمی اشاره کرد.

- مثل زوجیت در هستی یا جاذبه‌ی میان کرات

## امی بودن پیامبر ﷺ:

- تا قبل از اسلام آموختن علم در حجاز مرسوم نبود ← جایی برای درس خواندن نبود ← رسول خدا ﷺ مطابق رسم زمانه درس نخواند.
  - پیامبر ﷺ در عین امی بودن از ابتدای بعثت، آیاتی را برای مردم خواند که دارای برترین معارف خداپرستی، معاد، انسان، اخلاق و... بود ← بزرگ‌ترین دانشمندان را به تکاپو واداشت ← و فیلسوفان و عارفان را خاضع کرد.
  - از موضوعات شگفت‌انگیز و زیبا عرضه‌ی قرآن کریم توسط پیامبر امی بود.
- بیت: نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد

- آیه: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ﴾ ← پیش از آن هیچ نوشته‌ای نمی‌خواندی
- و لا تخطه بيمينك ← و با دست خود آن را نمی‌نوشتی
- اذا لا رتاب المبتلون ← که در آن صورت کجروان به شک می‌افتادند.

## اندیشه و تحقیق:

- چگونگی تأثیرناپذیری قرآن از فرهنگ و عقاید جاهلیت:

- آیه: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ← بخوان به نام پروردگارت که آفرید
- خلق الانسان من علق ← انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد
- اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ← بخوان که پروردگارت بزرگ‌تر است
- الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ← همان کسی که به وسیله‌ی قلم تعلیم کرد
- عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمِ ← و به انسان آنچه را نمی‌دانست، یاد داد.
- دعوت به علم



مؤسسه آموزشی فرهنگی

## درس چهارم

### گستره رسالت پیامبر ﷺ

#### دریافت و ابلاغ وحی :

- رسول خدا ﷺ، آیات قرآن را دریافت می کرد (دریافت وحی) و بدون کم و کاست به مردم می رساند (ابلاغ وحی)
- عده ای آیات را می نوشتند (کاتبان وحی) و عده ای آن را حفظ می کردند (حافظان وحی) ← پیام الهی حفظ شود و مردم به آن دسترسی داشته باشند.
- اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن حضرت علی رضی الله عنه است.
- پیامبر قرآن کریم را مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد.
- آیه: ﴿یتلو علیهم آیاته﴾ ← که بخواند آیاتش را برای آن ها.

#### مرجعیت دینی :

- تعلیم و تبیین و تفسیر وحی الهی بر عهده پیامبر ﷺ است ← تا مردم بتوانند معارف این کتاب آسمانی را دریابند. جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوهی عمل به آن ها را بیاموزند.
- گفتار و رفتار پیامبر ﷺ ← اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم آیات است ← پیامبر ﷺ اولین و بزرگترین معلم قرآن بوده است.
- آیه: ﴿و یعلمهم الکتاب و الحکمة﴾ ← و کتاب و حکمت بیاموزد.

#### ولایت قاهری :

- ولایت به معنی سرپرستی و رهبری است.
- مردم مدینه اسلام آوردند ← مهاجرین و انصار در تشکیل حکومتی بر مبنای قوانین اسلامی به پیامبر ﷺ کمک کردند ← مسجد مدینه هم مرکز حکومت شد.
- بنابر روایات معصومین ← اسلام بر پنج پایه استوار است ← ولایت از همه مهم تر است.
- امام محمد باقر رضی الله عنه: «بنی الاسلام علی خمس» ← اسلام بر پنج پایه استوار است

مؤسسه آموزشی فرهنگی

علی الصلاة و الزکاة ← بر نماز و زکات

و الصوم و الحج ← و روزه و حج

و الولاية ← و ولایت

و لم یناد بشیء کما نودی بالولاية ← و به چیز دیگری دعوت نشده آن طور که به ولایت دعوت شده»

- با برقراری ولایت، فرصت برای اجرای تمام احکام دین فراهم می شود.

#### ضرورت ولایت قاهری :

#### - جامعیت دین اسلام :

- اسلام یک دین کامل و دربردارندهی همهی ابعاد فردی و اجتماعی است ← حیات فردی و اجتماعی مرتبط با هم اند ← برنامهی هدایت جامع است.

حکومت و اراده‌ی جامعه } - اسلام به حیات اجتماعی توجه دارد ← مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی  
تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

### - اجرای احکام اسلامی :

- ضرورت اجرای احکام اسلامی مانند عدالت اجتماعی:

- از اهداف رسالت پیامبران، بنای جامعه‌ای بر پایه‌ی عدل بود.
- برقراری عدالت اجتماعی بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست.
- قرآن برای رسیدن به جامعه‌ی عادلانه ← قوانین و احکام اجتماعی دارد ← اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست.

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم	←	﴿لقد ارسلنا بالبینات﴾
و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم	←	و انزلنا معهم الكتاب و میزان
تا مردم بر عدالت قیام کنند (عدالت اجتماعی)	←	لیقوم الناس بالقسط
بنابراین به دعوت بپرداز و همان‌طور که مأموریت یافته‌ای ایستادگی کن	←	فلذلك فادع و الستقم كما امرت
و از هوس‌های آنان پیروی مکن	←	و لا تتبع أهواءهم
و بگو ایمان آوردم به هر کتابی که خدا نازل کرده است.	←	و قل ءامننت بما أنزل الله من کتاب
و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم (عدالت اجتماعی)	←	و أمرت و لا عدل بینکم
خدا پروردگار ما و پروردگار شما است.﴾	←	الله ربنا و ربکم

### - پذیرش خدا و نفی طاغوت :

- ولی و سرپرست حقیقی خدا است ← فرمان بردن از او واجب است.
- اجرای هر قانونی و پیروی از هر کس وقتی صحیح است که ← به قانون الهی بازگردد
- کسی که فرمان می‌دهد اما از جانب خدا نیست یا فرمان او بر مبنای فرمان الهی نیست ← طاغوت است.
- مراجعه و انجام دستورات طاغوت ← حرام

خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آوردند	←	﴿الله ولی الذین ءامنوا﴾
آن‌ها را از تاریکی به سوی نور خارج می‌کند	←	یخرجهم من الظلمات الی النور
و کسانی که کفر ورزیدند سرپرست‌هایشان طاغوت است	←	و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت
آن‌ها را از نور به سوی تاریکی خارج می‌کنند...﴾	←	یخرجونهم من النور الی الظلمات ...

### - پذیرش خدا و نفی طاغوت :

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند، ایمان دارند	←	﴿الم تر الی الذین یزعمون انهم ءامنوا﴾
به آنچه بر تو و قبل از تو نازل شده	←	بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک
می‌خواهند داوری نزد طاغوت برند	←	یریدون أن یتحاکموا الی الطاغوت
در حالی که فرمان دادند به او کافر باشند (نفی طاغوت)	←	و قد أمر و آن یکفروا به
و شیطان می‌خواهد که آن‌ها را گمراه کند	←	و یرید الشیطان أن یضلهم
آن هم گمراهی بسیار دوری (آشکار)﴾	←	ضلالاً بعیدا

- آیه: ﴿قُلْ اطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾ ← بگو اطاعت کنید خدا و پیامبر را  
فان توأوا ← پس اگر روی برتابند  
فان الله لا يحب الكافرين ← پس خداوند کافران را دوست ندارد.﴾

**- استقلال جامعه :**

- حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار:

- قرآن از مسلمانان می‌خواهد، سلطه‌ی بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آن‌ها نروند ← نفی سبیل
- تشکیل حکومت اسلامی با رهبری مورد نظر خدا
- مانع سلطه‌ی بیگانگان می‌شود.
- می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به‌گونه‌ای تنظیم کند ← که جامعه استقلال داشته و بیگانگان راهی برای تسلط نداشته باشند.

- آیه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ ← و خداوند هرگز برای کافران  
به زیان مؤمنان راهی قرار نداده است.﴾

**ولایت معنوی :**

- ولایت معنوی مرتبه‌ای بالاتر از ولایت ظاهری است.
- پیامبر ﷺ با انجام وظایف بندگی ← در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای رسیده که ← عالم غیب و ماورا را مشاهده می‌کند و به اذن خدا در عالم تقرب می‌نماید.
- چون ایشان مسیر و مجرای فیض الهی است، پس مقام ولایت معنوی منافاتی با توحید ندارد.
- در این حوزه هدایت، آموزشی معمولی نیست ← از طریق امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی و تقرب در قلوب است.
- میزان بهره‌مندی از این هدایت معنوی ← وابسته به درجه‌ی ایمان و عمل است.
- نمونه‌ی هدایت معنوی توسط پیامبر ﷺ ← امام علی عليه السلام

- آیه: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ← ولایت معنوی  
يخرجهم من الظلمات الى النور ← دخل و تصرف در طبیعت.﴾

مؤسسه آموزشی فرهنگی